**جلسه ششم(۲۰/۷/۱۳۹۴)**

**جواب سوم:** احتیاط اقسامی دارد که حکم هر صورت با دیگری متفاوت است لذا باید تک تک موارد را بررسی کرد.

**الف:** گاهی احتیاط با انجام یک عمل محقق می­شود و آنچه را که احتمال مدخلیتش در مأموربه داده می­شود در ضمن احتیاط محقق می­شود.

**مثال:** شک داریم که در وضو مرفق هم داخل است یا خیر( شک داریم که الی برای ابتدای غایت است یا انتهاء غایت) احتیاطا مقداری از بالای آن را می­شوییم چون احتمال مدخلیت آن را می­دهم و هکذا در شستن صورت.

این احتیاط مخالف ندارد و کسی به این قسم اشکال ندارد و کاملاً حسن است.

**ب:** گاهی احتیاط با تکرار عمل محقق می­شود یعنی آن عمل را باید دو بار انجام داد. در این صورت اطراف مورد شک دو صورت دارند.

**الف:** گاهی دو عمل متغایر هستند مثل ظهر و جمعه و یا قصر و اتمام که کاملا متغاییر هستنددر این صورت نه تنها اجماع بر بطلان احتیاط نداریم بلکه فتوا بر وجوب احتیاط داریم . لذا در این مورد نیز بحث نیست چون در این موارد ما یا مقلِّد هستیم یا مجتهد لذا احتیاط خود را یا بر اساس اجتهاد جاری می­کنیم یا بر اساس تقلید لذا احتیاط کاملاً حسن است و در آن بحث نیست بلکه بحث در احتیاطی است که تکیه بر اجتهاد و تقلید نداشته باشد .و لذا این مثالها از محل بحث بیرون است.

**ب:** گاهی دوفرد برای یک ماهیت هستند مثل نماز جهر به بسم الله و اخفات به بسم الله که اگر شک کنیم کدام را باید انجام دهیم لازم است احتیاط کنیم و بسم الله را به دو صورت آرام و بلند بخوانیم در این جا مشهور فقها قائل به عدم صحت چنین احتیاطی هستند.

**دلیل:** چون تکرار در نماز واجب مُخلّ است لذا اگر ما بسم الله را دو بار بخوانیم نماز را باطل می­باشد

**د:** از این جهت یک وجه باقی می­ماند و آن اینکه نه مقلِّد باشد نه مجتهد و در کلیه احکام مشکوک احتیاط کند مثل اینکه احتمال نجاست فرش را می­دهم لذا احتیاطا آن رامی­شویم و ... اینگونه احتیاط حسن است و مشکل ندارد و قصد وجه و تمییز نمی­خواهد .

بله بعضی موارد استثنا شده است یعنی با اینکه احتیاط ممکن است آن را نباید انجام داد .

**الف:** در جای که می­تواند بدونه احتیاط واقع را احراز کند احتیاط حُسن ندارد مثل معرفت قبله که می­تواند با وسائل قبله را پیدا کند در این صورت لازم نیست نماز را به چهار جهت خواند ویا در مثل طهارت فرش که می­تواند سوال کند لذا احتیاط وجهی ندارد . و اگر بگوید من سوال نمی­کنم و از اول احتیاط می­کنم این مخالفت با دلیل شرعی دلیل می­خواهد که چنین دلیل نداریم لذا در این موارد احتیاط صحیح نیست.

**ب:** احتیاط در صورتی که عامل تکرار شود و آن تکرار خلل در ارکان عمل پیش آورد جایز نیست مثلا بین دو کاسه شک دارم که کدام آب مضاف و کدام مطلق است احتیاط در این است که با هر دو وضو بگیرد چون با آب مضاف طهارت حاصل نیست لذا بهتر این است که این دو را کنار گذارد و آب دیگری بیاورد مگر آب دیگری نباشد. پس اینکه سید فرمود الاقوی جواز العمل بالاحتیاط باید بگوییم لا مطلقا بل فی بعض الموارد که بیان شد

**جواب از دلیل سوم مشهور:**

عبث و لغو به امر مولی در دو صورت مضرّ است نه مطلقاً.

**الف: در صورتی که دواعی امر را تغییر دهد:** یعنی اگر احتیاط باعث عوض شدن اغراض اوامر شود این احتیاط عبث است مثلا در گُم کردن قبله علی القاعده باید به چهار طرف نماز می­خواند لکن باید دید محرک ما در انجام آن چهار نماز چیست آیا همان یک نماز است که در واقع به گردن ما است یا هر چهار نماز این خصوصیت را دارند؟

در جواب می­گوییم محرک همان یک نماز واجب است نه هر چهار نماز چون اگر هر چهار نماز محرک باشد عبث است چون مولی یک نماز خواسته است و لذا محرک اصلی همان یک نماز واجب است و سه نماز دیگر برای این است که من آن یک نماز را درک کنم لذا این تکرار عبث نیست چون عمل ما داعی امر را تغییر نمی­دهد و داعی بر امر به نماز یک نماز است و من هم به دنبال آن یک نماز هستم لذا احتیاط باعث تغییر دواعی امر نشده است.

**ب: در صورتی که فعل ما معنون به عنوان قبیح باشد:** مثلا مولی در تابستان از عبد در خواست آب می­کند حال اگر عبد آب گرم ببرد عبث است و مولی حق عقاب دارد . پس خود عمل اگر معنون به قبح شود عبث است اما در بحث ما احتیاط قبیح نیست و معنون به قبح نیست چون درک واقع به سه صورت است.

**الف:** یا به امتثال تفصیلی است.( در جای که یقین به مطلب دارم)

 **ب:** یا به اجتهاد و تقلید است مثلا یقین نیست اما اعتقاد به مطلب وجود دارد

**ج:** یا به تکرار است به صورتی که اعاده و قضا نکند پس تکرار عنوان نمی­دهد و نماز ما را قبح نمی­کندبلکه تکرار مثل اجتهاد و تقلید برای احراز واقع است لذا وجهی ندارد عبث باشد.